

جزوه مسابقه سبکی "جرم ای از معارف مهدویت (۲)" - فروردین ۱۴۰۲

حیات و حضور امام زمان (عج):

بنا بر عقیده ما شیعیان که منبعث از تعالیم اهل بیت علیهم السلام است و بر خلاف دیدگاه سایر ادیان و مذاهب، امام زمان (عج) حی و زنده است و در میان ما انسان ها زندگی می کند و این دیدگاه باعث شده است که آن حضرت را خیلی ملموس تر و عینی تر بین خودمان حس کنیم تا آنجا که هر روز صبح مان را با سلام به حضرت و عهد بستن با آن امام معصوم شروع می کنیم آنچنان که در فرازی از دعای عهد چنین می خوانیم: "اللَّهُمَّ إِنِّي أجددُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أُحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ أَبَدًا...خدایا در صبح این روز و تا زندگی کنم از روزهایم، برای آن حضرت بر عهده ام، عهد و پیمان و بیعت تجدید می کنم که از آن، رو نگردانم و هیچ گاه دست برندارم..." هر روز صبح مان را با سلام و آرزوی سلامتی حضرت شروع می کنیم چون اعتقاد داریم که او هست و حضور دارد. برای سلامتی آن امام همام صدقه می دهیم چنانکه مرحوم سید بن طاووس در سفارشی به پسرش گفت: فرزندم! صبح به صبح دعا برای سلامتی حضرت را فراموش نکن و صدقه دادن برای سلامتی حضرت را مقدم بر صدقه دادن برای خودت، فرزندان و نزدیکانت قرار ده تا توجه حضرت را به خود جلب کنی و با احسانت به نیت و برای حضرت، روزت، روز با برکتی باشد بنابر این نگاه و دیدمان به حضرت آنچنان عینی و ملموس است که اگر با مشکلی در زندگی مواجه شویم رو به حضرت آورده و شرح حالمان را به آن حضرت بیان کرده و حتی آن را در قالب عریضه و نامه ای به حضرت می نویسیم و این نوع نگاه، آثار و برکات فراوانی در زندگی مان دارد که به آن به اختصار خواهیم پرداخت. آرزوی دیدن حضرت را در دعای عهد چنین بیان می کنیم: "اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ... خدایا آن جمال با رشادت و پیشانی ستوده را به من بنمایان..." در طول تاریخ بودند و هستند بزرگانی که به این موهبت دست یافته اند و چشم شان به جمال نورانی حضرت، روشن و منور شده است. حضرت گرچه در بین ما ظهور ندارد ولی حضور دارد و زندگی می کند. و این اعتقاد فقط مختص شیعه نیست و حدود ۷۰ تن از علمای اهل سنت نیز چنین عقیده ای دارند گرچه غالب اهل سنت معتقدند که منجی آخر الزمان هنوز به دنیا نیامده و در آخر الزمان به دنیا خواهد آمد. ما شیعیان بر این باور و اعتقاد خود، دلایل عقلی و نقلی متعدّد، متقن و محکمی داریم که در اینجا به اختصار فقط به سه دلیل در این زمینه، آن هم به اختصار می پردازیم:

دلیل اول: ما شیعیان امام معصوم را حجت الله و خلیفه الله و جانشین خدا در روی زمین و انسان کامل می دانیم و نه فقط یک رهبر سیاسی حاکم بر جهان. خدا عالم را برای شیطنت و فسق و فجور، فساد و خون ریزی نیافرید بلکه آفرید تا بندگی خدا در آن صورت گیرد و در سایه آن بندگی است که رشد صورت می گیرد؛ چنانچه در قرآن کریم فرمود: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: ما جن و انسان را خلق نکردیم جز برای اینکه عبادتم کنند (ذاریات- ۵۶)". امام معصوم، عبد و بنده مطلق خداست و انسان کاملی است که می تواند کامل ترین بندگی خدا را در بین مخلوقات عالم بجا آورد و اوست که هدف آفرینش خداوند را تأمین می کند. بندگی سایر مخلوقات، ناقص است. بنابر این خداوند به برکت و به واسطه وجود امام معصوم است که عنایات و رحمت واسعه اش را بر عالم، ساری و جاری می کند. اگر خلیفه و حجت خدا در دنیا وجود نداشت، آفرینش دنیا لغو و بیهوده می شد چرا که در آن صورت، هدف آفرینش (عبادت و بندگی کامل خداوند) تأمین نمی شد. بنابر این اگر عنایتی به عالم می شود به یمن و برکت وجود و حضور امام معصوم (ع) است. همان که در دعای عدیله می خوانیم: وَ بِيْمِنِهِ رُزْقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ ... به برکتش، بندگان روزی یافته‌اند و به (واسطه) وجودش، زمین و آسمان استوار گشته است... و نیز امام سجاد (ع) فرمود: "وَ بِنَا يُنَزَّلُ الْغَيْثَ. وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ تَخْرُجُ بَرَكَاتُ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا... به واسطه ما است که خدا باران را می فرستد و رحمت را نشر می دهد و برکات زمین خارج می گرد و اگر ما روی زمین نبودیم، مسلماً زمین ساکنانش را فرو می برد." در روایات ما آمده است که گاهی به واسطه وجود و حضور یک مؤمن، برکات و عنایات خداوند در زمین سرازیر می شود و بلاهایی دفع می گردد.. به عنوان مثال امام صادق (ع) فرمود: "خدا به واسطه یک شیعه نمازگزار، بلا را از آن کسی که نماز بجا نمی آورد، دفع می کند و اگر همه بی نماز بودند، هلاک می شدند و خدا به واسطه آن مؤمنی که زکات می دهد، بلا را از آن کسی که زکات نمی دهد هم دفع می کند. اگر همه بی زکات بودند، بلا بر همه نازل می شد." حال که وجود و حضور یک مؤمن منشأ خیر می شود و به واسطه او بلاهایی از دیگران دفع می گردد، به واسطه حضور خلیفه الله و انسان کامل که مؤمن ترین انسان در عالم وجود است، قطعاً برکات الهی نازل می شود و بلاهایی دفع می گردد. خدا به واسطه حضور و وجود اوست که به عالم نظر می کند. امام رضا (ع) با یکی از اصحاب بسیار با فضیلتش به نام زکریا بن آدم، شبی تا طلوع فجر مشغول مباحثه علمی بودند و مرحوم شیخ عباس قمی در منتهی الامال می نویسد که از ظاهر روایت چنین برمی آید که آن مباحثه و انتقال اسرار الهی توسط حضرت به ایشان آن چنان مهم و رشد آفرین بوده که حضرت آن را بر خواندن نافله شب ترجیح دادند. حال چنین فرد با فضیلتی روزی به امام رضا (ع) عرض کرد که تصمیم دارد به دلیل وجود و حضور ناهلانی در قم، از آن شهر مهاجرت کند. امام رضا (ع) به وی فرمود: "چنین کاری را نکن. زیرا به واسطه حضور توست که خدا بلاهای بزرگ را از این شهر دفع می کند همان طور که به

واسطه وجود پدرم موسی بن جعفر، بلا از بغداد دفع می شد." این است مقام یک مؤمن که شاگرد امام بود و فرد معصومی هم نبود.

دلیل دوم: سنت خدا بر این تعلق گرفته است که خداوند فیض خود را به این عالم از طریق اسباب می دهد. یعنی فیض الهی از هر نوع که باشد، اعم از رزق، هدایت، امنیت، علم، شفا، حیات، موت و ... در درجه اول به آن شخصی می رسد که از همه کامل تر است و خلیفه الله است چرا که ظرفیت وجودی دریافت بی واسطه فیض الهی را پیدا کرده است و سپس آن انسان کامل (امام معصوم) است که آن فیض را در عالم بسته به ظرفیت وجودی مخلوقات، تقسیم می کند. امام معصوم به عنوان حجت خدا، واسطه فیض و رحمت الهی است و علت اینکه خداوند در معراج پیامبر(ص)، او را با کنیه "ابوالقاسم" صدا زد، همین موضوع است یعنی پیامبر اسلام(ص) به عنوان خلیفه الله و انسان کامل، واسطه فیض الهی است. اوست که فیض را دریافت نموده و بین عالمیان تقسیم می کند و این شأنیت را بعد از خود، به خلیفه الله بعد از خود به عنوان جانشین و وصی خود (امام معصوم) می دهد. بنابر این دلیل دیگری که حیات و حضور امام زمان(عج) را به عنوان حجت و خلیفه الله و انسان کامل در روی زمین اثبات می کند، این است که اگر امام زمان(عج) در روی زمین، حیات و حضور نداشته باشد، هیچ فیضی از سوی خداوند به تمام عوالم وجود، نمی رسد و این موضوع فقط به حیات در روی زمین منحصر و محدود نمی شود. امام صادق (ع) فرمود «لولا الحجة لساخت الارضُ بأهلها» «اگر حجت خدا نبود، مسلماً زمین، ساکنانش را فرو می برد.» امام زمان(عج) به عنوان خلیفه الله، واسطه فیض و رحمت عام و خاص خداوند است. حضرت، رحمت عام را به همه مخلوقات عالم افاضه می فرمایند ولی رحمت خاص، ویژه انسان های مؤمن و شیعه واقعی است که برحسب لیاقت و ظرفیت وجودی که در سایه علم، ایمان و تقوای الهی کسب می نمایند، از آن حضرت دریافت می دارند.

دلیل سوم: خداوند در آیه ۴ سوره مبارکه قدر می فرماید: "تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ. فرشتگان و "روح" در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کار نازل می شوند." "تَنْزَلُ" در اصل تَنْزَلُ بوده است که فعل مضارع است و دلیل بر استمرار دارد. فرمود: "تَنْزَلُ:" (ملائکه و روح - که اعظم ملائکه است-) نازل شدند"، بلکه فرمود: "تَنْزَلُ:" نازل می شوند. بنابراین اولاً شب قدر منحصر به زمان پیامبر(ص) نیست و هر سال ادامه دارد و طبق بیان روایات، شب قدر تا روز قیامت ادامه خواهد داشت و ثانیاً منظور از "مِنْ كُلِّ أَمْرٍ" این است که فرشتگان برای تقدیر و تعیین سرنوشتها و آوردن هر خیر و برکتی در آن شب نازل می شوند، و هدف از نزول آنها انجام این امور است یا اینکه هر امر خیر و هر سرنوشت و تقدیری را با خود می آورند. شب قدر به این جهت "قدر" نامیده شده که جمیع مقدرات بندگان در تمام سال در آن شب تعیین می شود، شاهد این معنی، آیه مبارکه ای است در سوره دخان که می فرماید: "إِنَّا

أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ: ما این کتاب مبین را در شبی پر برکت نازل کردیم، و ما همواره انداز کننده بوده‌ایم، در آن شب که هر امری بر طبق حکمت خداوند تنظیم و تعیین می‌گردد" (دخان - ۳ و ۴). این بیان، هماهنگ با روایات متعددی است که می‌گوید: در آن شب، مقدرات یک سال انسانها تعیین می‌گردد، و ارزاق و سرآمد عمرها، و امور دیگر، در آن ليله مبارکه تفریق و تبیین می‌شود. البته این امر، هیچگونه تضادی با آزادی اراده انسان و مسأله اختیار ندارد، چرا که تقدیر الهی به وسیله فرشتگان بر طبق شایستگی‌ها و لیاقت‌های افراد، و میزان ایمان و تقوی و پاکی نیت و اعمال آنها است؛ یعنی برای هر کس، آن مقدر می‌کنند که لایق آن است، یا به تعبیر دیگر زمینه‌هایش از ناحیه خود او فراهم شده، و این نه تنها منافاتی با اختیار ندارد بلکه تأکیدی بر آن است. بنابر این شب قدر شبی است که فرشتگان و روح بر زمین نازل می‌شوند جهت انجام آن مأموریت بزرگ. شبی است که میان زمین و آسمان پیوند برقرار می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق اهل تسنن هم قبول دارند که شب قدر ادامه دارد و منحصر به زمان پیامبر(ص) نیست. ائمه اطهار علیهم السلام فرموده‌اند که از اهل تسنن بپرسید که در شب قدر ملائکه و روح بر چه کسی فرود می‌آیند؟ آیا ملائکه و روح بر زمین خاکی فرود می‌آیند یا بر دل فرود می‌آیند؟ بدیهی است که بر دل فرود می‌آیند؛ چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید. نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * روح الامین آن را بر دلت نازل کرد تا از [جمله] هشداردهندگان باشی (شعرا- ۱۹۳ و ۱۹۴). بنابر این ملائکه و روح بر قلب انسان فرود می‌آیند نه روی خاک. تا انسانی برای همیشه روی زمین وجود نداشته باشد که در آن درجه از کمال و ظرفیت و شایستگی باشد که قلب او قلبی باشد که ملائکه بر آن فرود بیایند، فرود آمدن ملائکه معنا و مفهومی نخواهد داشت. بنابر این شب قدر، شب انسان کامل است. شبی است که ملائکه و روح بر قلب نازنین حجت خدا و خلیفه الله و انسان کامل نازل می‌شوند. و این بزرگ‌ترین دلیل بر زنده بودن حجت خدا- حضرت مهدی(عج)- می‌باشد که در بین ما زندگی می‌کند گرچه تا زمان ظهور، از دیدگان ما مخفی است و توفیق زیارت آن حضرت، لیاقت و قابلیت‌های خاصی را می‌طلبد که نصیب هر کسی نمی‌شود. حال این دیدگاه ما شیعیان که حضرت مهدی(عج) را حی و حاضر بین خودمان احساس می‌کنیم، آثار و برکات فراوانی در پی دارد که به آنها خواهیم پرداخت. در تکمیل این بحث به یک واقعه تاریخی اشاره می‌کنیم: حدیث از وجود مقدس امام رضا(ع) است که فرمود: امیرالمؤمنین علی(ع) این ماجرا را بسیار نقل می‌کردند: فرمودند که من در محضر پیغمبر اکرم(ص) بودم. آن دو نفر- خلیفه اول و دوم- هم بودند. رسول خدا(ص) آیات سوره قدر را می‌خواندند و می‌گریستند. آن دو از پیامبر(ص) پرسیدند: ما یُبکیکَ یا رسولَ الله؟ چه چیز باعث شده که گریه می‌کنید؟ پیامبر(ص) فرمودند: "از عظمتی که در این سوره می‌بینم." خواندند تا با این آیه رسیدند: تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ. ملائکه و روح القدس در این شب به اذن پروردگارش نازل می‌شوند در ارتباط با تمام امور؛ اموری که رقم خورده و مقدر شده است. سپس فرمودند: "آیا بعد از این عبارت، دیگر جای حرف

دیگری می ماند؟" سپس در ادامه پیامبر(ص) به سؤال خود ادامه دادند: "ملائکه و روح القدس در این شب بر چه کسی نازل می شوند؟" آن دو پاسخ دادند: بر شما یا رسول الله. پیامبر(ص) فرمودند: "بله درست است." سؤال: "آیا بعد از من هم شب قدر خواهد بود؟" پاسخ: "بله." سؤال: "بعد از من، ملائکه و روح القدس بر چه کسی نازل می شوند؟" آن دو پاسخ دادند: نمی دانیم یا رسول الله. امیر المؤمنین(ع) فرمودند: رسول خدا دست مبارک خود را بر سر من قرار دادند و رو به آن دو نفر کردند و فرمودند: "ان لم تدريا قدريا..... اگر نمی دانید بدانید که ملائکه و روح القدس بعد از من در شب قدر بر این مرد(علی(ع)) نازل می شوند." و طبیعتاً در حال حاضر باید گفت که ملائکه و روح القدس در شب قدر بر وجود مقدس امام زمان(ع) نازل می شوند. در شب قدر، مقدرات را به آن حضرت عرضه می کنند و طبیعی است که خداوند به امام عصر(عج) اذن مداخله خواهد داد؛ دعا بکنند یا تغییری در آن مقدرات بدهند. به هر حال اینکه مقدرات را به آن حضرت عرضه می کنند باید یک اثری داشته باشد.

مرگ جاهلی:

رسول خدا(ص) فرمود: «هر کس بمیرد، درحالی که امام زمان خودش را نمی شناسد، به مرگ جاهلی مرده است.» از امام حسن عسکری(ع) سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: پسر من، محمد(۱) او امام و حجت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می شوند و اهل باطل در آن هلاک می گردند و کسانی که برای آن، وقت معین کنند، دروغگویند. مرگ جاهلی، یعنی مردن بدون شناخت خدا و رسول او. کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر(ص) را نمی شناختند، خارج نشده است؛ بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان(عج) نینجامد، برای انسان سودی نخواهد داشت و او را دین دار نمی کند. شخصی از امام صادق(ع) پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و درباره همه چیز است یا فقط نشناختن امام است؟ آن حضرت فرمود: «جاهلیت، کفر و نفاق و گمراهی است.» پس نتیجه عدم شناخت امام زمان(عج)، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم بهره مندی شخص از معرفی امام زمان(عج) از سوی خدا باشد(بدون اینکه آن شخص کوتاهی در این زمینه کرده باشد). این حالت، ضلال نامیده می شود و مرادف با استضعاف است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم شده است. حالت کفر و نفاق، مربوط به شخصی است که معرفی الهی برایش صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این، دو حالت دارد: یا انکار وعدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می دارد که کفر نامیده می شود یا آن را مخفی می دارد که نفاق است. در هر سه صورت، شخص، از مسیر عبودیت خداوند دور افتاده و سرانجام نیک نخواهد داشت؛ پس شناخت و پیروی از امامان معصوم علیهم السلام، نه از باب تعبد که به حکم عقل است؛ چرا که

انسان خداشناس راهی به سوی خدا ندارد، مگر از طریقی که خود خداوند قرار داده است. جز از این راه، نمی تواند از رضا و خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار علیهم السلام از باب مراجعه نادان به داناست. این یک حکم عقلی است؛ همچنان که عاقل در امور مادی و دنیایی خود، به دانا و متخصص آن مراجعه می کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می کند.

(۱): مهدی یکی از القاب معروف امام زمان (عج) است.

ولادت حضرت مهدی (عج): ولادت آن حضرت از مسلمات تاریخ است و نه تنها مورد قبول دانشمندان و تاریخ نویسان شیعه بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده اند.

فلسفه مخفی بودن تولد امام زمان (عج): مهمترین فلسفه غیبت، در امان ماندن آن حضرت از خطر نابودی است به این معنی که اگر یکی از پدران آن حضرت (امامان معصوم قبلی) شهید می شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد دیگری به جای او نصب شود ولی اگر مهدی (عج) شهید می شد مصلحت و تدبیر امور انسانها اقتضا نمی کرد که امام دیگری به جای او نصب گردد.

فواید امام غائب: همان طور که گفته شد، از سخنان امامان معصوم علیهم السلام به دست می آید که نه فقط پدید آمدن مجموعه هستی، بلکه دوام آفرینش به واسطه وجود انوار مقدس پیامبر(ص) و اهل بیت علیهم السلام بوده است به گونه ای که استمرار وجود موجودات بدون وجود یکی از آنها غیر ممکن است لذا هر یک از این اولیاء الهی واسطه فیض الهی می باشند که بهره مندی همه آفریده ها از هستی و ادامه وجود، بسته به وجود محب روی زمین است البته این نوع بهره مندی، به پذیرش یا ردّ امام ارتباطی ندارد و خداوند به واسطه وجود امام (ع) تمام موجودات را بهره مند می کند. در فرض عدم این مجاری فیض، باز هم فیاضیت خدا- اگر قصور در پذیرنده فیض نباشد- برقرار است، اما می توان گفت ممکنات، هم آن استعداد را ندارند که بدون واسطه، تلقی فیض کنند و قصور خودشان مانع از کسب فیض مستقیم است. شکی نیست امام غائب نیز مانند امام حاضر، واسطه فیض الهی است. افزون بر بهره های یاد شده، فایده های دیگری هست که البته مشروط به اعتقاد و باور به ایشان است. برخی از فواید این بخش عبارتست از: ۱- **نگهبانی از آئین خداوند با هدایت باطنی:** گره گشایی از شیعیان، در دوره غیبت صغری از طریق ارتباط امام با مردم به وسیله نواب خاص و پاسخگویی به پرسشهای آنان از طریق نامه های امام (توقیعات) تحقق یافت ولی در دوران غیبت کبری به صورت هدایت های باطنی صورت می پذیرد؛ به این معنی که طبق اعتقاد شیعه، آن حضرت همواره در هنگامه های حساس و حوادث تعیین کننده، بسان دستی غیبی، اراده های نقش آفرین را در جهت اصلاح امور هدایت می کند و این اصلاحات به طور عمده با هدایت های باطنی صورت می پذیرد؛ هدایت هایی که به وسیله شخص امام و گاهی به وسیله دیگران درباره صالحان و شایستگان انجام می گیرد.

امام از راه باطن، بر نفوس افراد اشراف دارد و آنان را مورد هدایت و تربیت خود قرار می دهد. با القا های نیکو یا با نگه داشتن های باطنی، راه برخی از افراد را عوض می کند یا آنها را در راه صحیحی که دارند استوار و ثابت قدم می دارد، گر چه این هدایت از دیدگان پنهان است. چه بسیار افرادی که یکباره از راهی که داشتند، برگشتند و هرگز حاضر نشدند دوباره بدان برگردند و چه بسیار افرادی که در کار خود متزلزل و مردد بودند ولی یکباره در آن مستقر شدند. ۲- **نگهداشت جامعه از ناامیدی و سرخوردگی:** امام اگر چه غائب، همواره مراقب حال و وضع شیعیان است و نقطه اتکایی است که پیروان خود را در ورطه های نابودی و ناامیدی در حمایت و پناه خود می گیرد و بسان پناهگاهی مطمئن، پیروان خود را به تلاش و کوشش در راه رشد و تعالی و می دارد بنابراین، این تلاش و حالت امید و انتظار به آینده ای روشن، از بزرگترین اسباب موفقیت و پیشرفت است و جامعه را از فرو افتادن در ناامیدی در امان خواهد داشت و جامعه شیعی، استواری، پویایی و شادابی خود را مرهون این باورمندی می داند. از نظر اجتماعی وقتی احساس می کنیم که فرمانده لشکر در بین ماست، لشکر اجتماع از هم نمی پاشد. حضور حضرت سبب انسجام و یکپارچگی جامعه و امت اسلامی است. ۳- **ایمنی بخش از بلاها:** بخشی از نگرانی های بشر از رخدادهای ناگوار، با کنترل عوامل شناخته شده بر طرف می شود اما فراوانی عوامل ناشناخته و خارج از کنترل، نا امنی هایی را بر زندگی تحمیل می کند. امام مهدی (عج) فرمود: "من سبب ایمنی (از بلاها) برای ساکنان زمین هستم" محب خداوند و امام معصوم، مانع از آن است که مردم به سبب انواع گناهان و مفسداتی که انجام می دهند به عذابهای سخت الهی گرفتار آیند. قرآن کریم می فرماید: "ای رسول ما! تا زمانی که تو در میان ایشان (مسلمانان) هستی خداوند هرگز آنها را به عذاب (عمومی) گرفتار نخواهد کرد" (انفال-۳۳). حضرت مهدی (عج) که نمونه کامل رحمت و مهر پروردگار است نیز به عنایت خاص خود بلاهای بزرگ را - به ویژه از جامعه شیعیان و فرد فرد آنها- دور می کند گر چه در بسیاری از موارد، شیعیان به لطف و کرامت او توجه نداشته باشند و دست یاری گر او را بر سر خود نشناسند این دیدگاه بسیار متفاوت است با آن دیدگاهی که می گوید منجی در آخر الزمان متولد خواهد شد و در حال حاضر در بین ما نیست. مهدی موعود (عج) مافوق انسان نیست بلکه انسان مافوقی است. انسانی است کامل. باور داشته باشیم که این مهربان در بین ما زندگی می کند و با غم ما غمناک می شود و با شادی ما شاد می گردد؛ از احوال و کردار و رفتار ما بی خبر نیست. یکی از اصحاب امیر المؤمنین علی (ع) بنام رمیله دچار عارضه تب شدیدی شد و در منزل بستری بود. روز جمعه فرا رسید و تبش فرو کش کرد و با خود گفت که حال که تبم فروکش کرده، بهتر است توفیق شرکت در نماز جمعه امام علی (ع) را از دست ندهم. به نماز جمعه رفت و مشغول شنیدن خطبه های حضرت شد ولی دوباره تبش عود کرد ولی آن حال بدش را تحمل کرد و نماز جمعه را به امامت امام (ع) بجا آورد. نماز که تمام شد، با حضرت برخورد کرد. حضرت امیر (ع) به او فرمود: "رمیله! بیمار بودی و ما هم از این موضوع ناراحت بودیم." سپس ادامه داد و فرمود: "هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود مگر آنکه

ما هم از بیماری او بیمار می شویم؛ غمناک نمی شود مگر آنکه از غم او غمناک می شویم" در روایت دیگری فرمود: شاد نمی شود مگر اینکه ما هم خوشحال می شویم؛ دعا نمی کند مگر اینکه ما آمین می گوئیم؛ ساکت نمی شود مگر اینکه ما برایش دعا می کنیم. حال وقتی چنین حجت دلسوز و مهربانی بین ما هست، چقدر مایه دلگرمی و آرامش خواهد بود! امام زمان(عج) در توقیع (نامه) ای به شیخ مفید فرمودند "چنین نیست که ما شما را فراموش کرده باشیم و بی توجه به شما باشیم و از شما خبر نداشته باشیم! اگر ما به شما توجه نداشتیم، بلاهای بزرگ بر شما نازل می شد و دشمنان، شما را ریشه کن کرده بودند. اشتباه نشود. امام زمان(عج) قرار نیست سنت های الهی را تغییر دهد و هر بلا و گرفتاری را دفع نماید! دنیا با همین بلاها و گرفتاری هایش دنیاست و کوره امتحان الهی را همین بلاها و گرفتاری ها گرم می کند تا انسان بتواند در سایه مجاهدت و تقوا از آنها رو سفید بیرون آمده و پرونده اعمالش را با حسنات پر نماید و در مسیر رضای الهی گام بردارد و دنیا و آخرتش را آباد کند. حضرت فرمود: اگر ما نبودیم بلایی بر شما نازل می شد که ریشه کن می شدید. یعنی به واسطه وجود حضرت، بلاهای بزرگ از مؤمنین رفع می شود...۴-

ایجاد پروای الهی در پرتو باور وجود امام زنده در جامعه: از روایات اسلامی به دست می آید که در دوران غیبت مهدی(عج) و در زمان های معینی، اعمال انسان ها بر آن حضرت عرضه می شود. امام رضا(ع) در پاسخ به درخواست یکی از یارانش که از حضرت خواست برای او و اهل بیتش دعا کند فرمود: "مگر چنین نمی کنم؟! به خدا سوگند اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود" و وقتی شگفتی آن شخص را از این سخن مشاهده کرد، در ادامه فرمود: "مگر کتاب خدا را نخوانده ای که فرمود: "و بگو هر کار می خواهید انجام دهید، پس به یقین خداوند، پیامبرش و مؤمنان، عملتان را می بینند(توبه-۱۰۵) به خدا سوگند مقصود از مؤمن (علی بن ابی طالب) است". این آگاهی، آثار تربیتی فراوانی دارد که علاوه بر خداوند، پیامبران و فرشتگان، امامی معصوم نیز وجود دارد که اعمال او بر وی عرضه می شود. وقتی ما شیعیان می بینیم که حضرت مهدی(عج) در حبس غیبت است و طبق بیان حضرت به شیخ مفید در توقیعی که به ایشان مرقوم فرمودند، این اعمال و گناهان و بی لیاقتی های ماست که ما را از فیض دیدار حضرت- آن امام رؤف و مهربان- محروم ساخته، ما را برآن خواهد داشت که بیش از پیش احساس مسؤولیت کنیم و با اعمال صالح خود و احساس مسؤولیتی مضاعف، سعی در بر طرف کردن موانع غیبت و کسب رضایت حضرت شده و با ایجاد جامعه صالح، زمینه ظهور حضرت را فراهم کنیم ان شاء الله. ۵- **یاری برخی نیازمندان:** جدای از اینکه در همه حالت ها، خود آن حضرت به یاری استمدادکنندگان می آید و یا اینکه ملازمان و اولیای او نیز به امر ایشان چنین می کنند و اینکه یاری شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد یا نه؛ شکی نیست که در طول تاریخ غیبت، انسان های بسیاری به دست آن حضرت یا اراده ایشان از سختی ها و مشکلات نجات یافته اند. ۶- **دعای خیر حضرت در حق مؤمنان:** شکی نیست که امام معصوم (ع) از هر پدر و مادری مهربان تر است و در همه حال، خوبی بندگان خدا-به ویژه مؤمنان- را می خواهد، از این رو

همواره برای موفقیت آنها و نیز دوری مصیبت ها و مشکلات از آنها، دعا می کند. این هم در موارد فراوانی رخ داده است. همین حضور و دعای حضرت، سبب ریزش برکات الهی می شود.

امکان ملاقات با حضرت مهدی: شکی نیست در دوران غیبت صغری که بخشی از دوران غیبت آن حضرت است، برخی از شیعیان - به ویژه نایبان خاص -، آن حضرت را ملاقات کرده اند اما در مورد غیبت کبری چهار دیدگاه متفاوت وجود دارد که خلاصه دیدگاه اول و دوم این است که آن حضرت، از نگاه عموم مردم پنهان است و اگر اراده کند کسی آن حضرت را ببیند آن حضرت را نخواهد شناخت. در دیدگاه سوم، نه فقط امکان و وقوع ملاقات، مورد پذیرش است بلکه ملاقات همراه با شناخت آن حضرت نیز پذیرفته شده است اما آنچه مورد انکار است این که ملاقات کننده حق ندارد مشاهده خود را برای دیگران نقل نماید و ادعای ملاقات نماید و هر یک از شیعیان حال خودش را می داند و راهی نیست برای آگاهی به حال دیگران. در این دیدگاه مدعی ملاقات، چه به ادعای خود اطمینان داشته باشد یا به دروغ ادعایی را مطرح کند یا بپندارد که ادعایش حق است در هر حالت ادعایش مردود و قابل انکار است و چنین شخصی دروغگوست. در دیدگاه چهارم که بین دانشمندان متأخر شیعه شهرت بیشتری یافته است هم امکان و وقوع ملاقات مورد پذیرش است و هم شناخت آن حضرت هنگام ملاقات و همچنین ادعای ملاقات این گروه از دانشمندان. چنین می گویند که چگونه ممکن است این همه ادعای ملاقات با حضرت مهدی (عج) که در بسیاری از کتب، داستان های گوناگون آن نقل شده است، دروغ باشد! نتیجه اینکه ملاقات حضرت فضیلت بزرگی است اما آنچه مهم تر است، شناخت و معرفت آن بزرگوار و عمل به دستورهایی است که رضایت خداوند و آن حضرت را در پی دارد. فراموش نشود کم نبودند افرادی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم السلام با آن بزرگواران دیدار می کردند، اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات ها نمی بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می شدند.

اهمیت دیدن امام زمان (عج):

از شیخ بهلول پرسیدند که چه وقت می شود به حضور آقا امام زمان، ارواحنا فداه، مشرف شد؟

فرمودند: با تقوا باشید؛ وقتی که بین شما و حضرت سنخیت باشد.

سپس فرمودند: دیدن امام زمان، روحی فداه، مهم نیست، مهم این است که او ما را ببیند. خیلی ها هم علی علیه السلام را دیدند اما دشمن او شدند. اگر کاری کردیم که نظر آنها را جلب کنیم، آن ارزش دارد.

آیه الله امجد در مورد شیخ بهلول فرمودند:

ایشان یک انسان وارسته‌ای است، توکل عجیبی دارد، او یک انسان عتیقه است، چرا که عتیقه‌جات، معمولاً کمیاب و قیمتی هستند، او هم کمیاب است و هم قیمتی.

دعای افتتاح از دعاهای شب های ماه رمضان صادر شده از ناحیه مقدّسه:

این دعا به وسیله دومین نایب خاص حضرت مهدی-محمدبن عثمان-از طرف آن حضرت صادر شده است. آن حضرت به شیعیان نوشتند: "در هر شب ماه رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبش استغفار می کنند.

نُواب خاص (رهبران جامعه از سوی امام غایب در غیبت صغری): در غیبت صغری چهارسفر یا نایب خاص، به ترتیب به نام های عثمان بن سعید عمری، محمدبن عثمان، حسین بن روح نوبختی، علی بن محمد سمری درخواست های مردم را به حضرت مهدی(عج) و نیز نامه ها و توقیعات آن حضرت را به مردم می رساندند و خود به زیارت ایشان نایل می شدند. ارتباط شیعیان بانواب خاص در دوره های نخست، به طور عمده به واسطه وکیلان بود؛ به این صورت که مردم، خواسته های خود را با وکیلان در میان می گذاشتند یا وجوهات شرعی خود را به آنان می پرداختند. وکیلان نیز آنها را به سفیر و نایب امام(عج) منتقل می کردند و با واسطه سفیر، از ناحیه مقدّسه، پاسخ پرسش های خود را می گرفتند. با روشن شدن جایگاه نواب خاص، برخی شیعیان به صورت پنهانی توانستند به طور مستقیم با آنان تماس برقرار کنند. این کار، به طور عمده از زمان دومین نایب آغاز شد و ادامه یافت. وظایف نایبان خاص عبارت بود از: (۱) برطرف کردن تردید شیعیان درباره حضرت مهدی(عج) (۲) پنهان نگهداشتن مکان حضرت مهدی(عج) (۳) پاسخگویی به پرسش های فقهی و مشکلات علمی و عقیدتی (۴) سازماندهی وکیل های حضرت: این تشکیلات به طور رسمی از زمان امام کاظم (ع) شکل گرفت و در زمان امام عصر(عج) به اوج خود رسید و هدف اصلی از ایجاد آن، آماده کردن هرچه بیشتر مردم برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی(عج) از طریق تمرکز کردن ارتباط مستقیم امام معصوم(ع) با مردم بود به گونه ای که عصر غیبت، این تماس با امام زمان قطع شد و محور ارتباط وکیلان با امام، نایب خاص آن حضرت بود. (۵) آماده کردن شیعیان برای غیبت کبری (۶) رهبری دوستداران و طرفداران امام زمان(عج) و حفظ مصالح اجتماعی شیعیان. (۷) جلوگیری از فرقه گرایی شیعیان (۸) مبارزه با مدعیان دروغین نیابت یکی از مسئولیت های مهم نایبان خاص بود، که این مبارزه به طور عمده، با هدایت های امام-باصدور توقیقات از طرف آن حضرت- صورت می گرفت. (۹) گرفتن اموال متعلق به امام و مصرف آن در موارد لازم.

برخی از حکمت های ظاهری غیبت:

۱- حفظ جان ایشان از گزند بدخواهان و ستمگران: چون ایشان آخرین ذخیره الهی در زمین است و حاکمیت جهانی فقط به دست ایشان تحقق می یابد، بنابراین خداوند به هر وسیله ممکن، ایشان را تا روز موعود محافظت می نماید.

۲- آزمایش انسانها: با اینکه این آزمایش به دلیل عدم حضور ظاهری امام، مشکل و طاقت فرساست ولی در تکامل روحی انسانها نقش بسیار مهم و موثری دارد. با این آزمایش مشخص می شود که چه کسی ثابت قدم و استوار، و چه کسی در ایمان و اعتقاد به آن حضرت، سست و مردّد است.

۳- آزادی از بیعت دیگران: حضرت قائم(عج) در این رابطه فرمود: «خداوند در قرآن کریم می فرماید: "ای اهل ایمان! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما روشن شود، ناراحت می شوید." (مائده-۱۰۱) بدانید هر کدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت‌های زمان خویش را بر گردن داشتند؛ ولی من هنگامی که قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوت‌های زمان را بر گردن ندارم.»

۴- تأدیب انسانها: انسانها در زمان زندگی امامان پیشین ، آنگونه که شایسته بود از ایشان حمایت نکردند. گاهی با برخوردهای ناشایست، سبب محروم شدن جامعه از فیض آنها می شدند. بنابراین غیبت آخرین حجّت خداوند، نماد خشم خداوند بر زمینیان است. علاوه بر موارد یاد شده، به مواردی همچون: تربیت انسانهای مناسب برای قیام و حکومت جهانی و ایجاد اشتیاق جهانی برای حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) اشاره شده است. البته حکمت‌های اساسی غیبت آنحضرت، پس از ظهور ایشان آشکار خواهد شد.

غیبت آن حضرت بر دو قسم است: صغری و کبری.

غیبت صغری آنحضرت که برخی آنرا از زمان ولادت ایشان و برخی از شهادت امام حسن عسکری(ع) دانسته اند که مدت ۶۹ سال و چند ماه به طول انجامید. همان طور که بیان شد، در این دوره حضرت به واسطه چهار نفر از نایبان خاص خود به نامهای عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمري با شیعیان در ارتباط بوده و امور(مالی، عقیدتی، فقهی) آنان را سرو سامان می دادند. این افراد با وکلای حضرت در دورترین نقاط شهرهای اسلامی در تماس بوده و پرسشها و نامه های مردم را به محضر مقدس ایشان می رساندند و در پاسخ، توقیعاتی از طرف آن حضرت صادر می شد. غیبت صغری زمینه ای شد که مردم به تدریج با غیبت کبری خو بگیرند و خود را برای آن آماده سازند. و این طور تصور نکنند که به رهبر فکری و معنوی خود دسترسی ندارند و در نتیجه دچار تفرقه شوند.

غیبت کبری با درگذشت آخرین نایب حضرت شروع شد و تا فرارسیدن روز ظهور آن حضرت ادامه دارد. طولانی بودن ، نامشخص بودن پایان آن ، قطع ارتباط ظاهری با امام زمان(عج) شبیه آنچه در غیبت صغری

وجود داشت، عام بودن نیابت (که مجتهدان جامع شرایط در جایگاه نایب عام، وظیفه اداره جامعه را به عهده دارند)، فراگیر شدن حاکمیت ستم و جور در زمین (که هرچه به ظهور نزدیک می شویم شدیدتر می شود)، شدت یافتن آزمایشهای الهی که در این رابطه امام علی(ع) می فرمایند: «... هر کس در زمان غیبت او، بر دین خویش ثابت قدم بماند، و در طول مدت ناپیدایی قائم ما، سنگدل نشده باشد، در بهشت با من و در درجه من خواهد بود.»

انتظار فرج (امید به گشایش عمومی):

انتظار در اصطلاح مهدویت به معنای چشم به راه بودن ظهور واپسین ذخیره الهی و آماده شدن برای یاری او در برپایی حکومت عدل و قسط در سراسر گیتی است که هرچه شعله انتظار، فروزانتر باشد، تحرک و پویایی انسان و در نتیجه آمادگی او نیز بیشتر خواهد شد. برآستی چرا یک منتظر واقعی، فرج آنحضرت را انتظار می کشد؟ زیرا:

۱- نه تنها به وضع خود و جامعه بشری به سبب محروم بودنشان از نعمت حضور ظاهری امام معصوم(عج) راضی و قانع نیست، بلکه این موضوع او را آزار می دهد و سعی می کند همه عواملی را که باعث غیبت آن حضرت شده است را در حد توان، برطرف کند.

۲- انسان فطرتاً کمال طلب است لذا به امید دستیابی به وضع مطلوب، فرج آن حضرت را انتظار می کشد.

۳- حرکت و تلاش برای گذر از وضع موجود و قرار گرفتن در وضع مطلوب، که در نتیجه او را از حالت رکود و خمودگی برحذر داشته و به تلاش در راه رسیدن به وضع مطلوب و امیدوار می دارد که اگر بنا به دلایلی، به وضع مطلوب هم نرسد، به دلیل اهتمام و سعی او، خداوند پاداش کسانی را که آن مرحله را درک می کنند به او خواهد داد. هر قدر آگاهی شخص به ظهور امام(عج) عمیق تر باشد، انتظارش هم به آن بیشتر خواهد شد. رسول اکرم(ص) فرمودند: قیامت برپا نمی شود، تا این که قیام کننده ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس از او سرپیچی کند، هلاک خواهد شد.

فضیلت انتظار فرج:

انتظار فرج به معنای عام: آموزه های دینی افزون بر بیان فضیلت "گشایش عمومی" و امید به آینده، نومیادی را نکوهش کرده و از ورود جوامع به آن جلوگیری می کند. و از آن با بلندترین عنوان ها و شگفت انگیزترین ارزش ها یاد نموده است. پیامبر(ص) فرمود: برترین عبادت، انتظار فرج است. همچنین فرمود:

برترین جهاد امت من، انتظار گشایش است. از این نوع روایات نیز به خوبی روشن می شود که انتظار، از نوع عمل است.

انتظار فرج به معنای خاص: یعنی چشم به راه بودن آینده ای با تمام ویژگی های یک جامعه مورد رضایت خداوند است. که مصداق آن دوران حاکمیت ولی عصر(عج) می باشد. از امام صادق(ع) سؤال شد: «چه می فرمایید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود؟» حضرت فرمود: «او، همانند کسی است که با حضرت قائم در خیمه او باشد.» سپس کمی سکوت کرد و فرمود: «مانند کسی است که با پیامبر(ص) در مبارزاتش همراه بوده است.» لذا انتظاری درست و سازنده است که تحرک بخش و تعهد آور باشد. در این انتظار یک فرد مسلمان نمی تواند به دلیل انتظار به ظهور، از وظایف مسلم خویش مانند شناسایی دین از راه صحیح، یاری حق، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دست بکشد یا کوتاه بیاید. سستی به وظایف دین و بی تفاوتی به آن، به هیچ وجه جایز نیست. پیامبر(ص) فرمود: «همه شما رهبر یکدیگر و در راه اصلاح هم، مسؤول هستید.» و انتظاری نادرست و ویرانگر است که نوعی اباحی گری باشد بدین معنی که شخص گمان کند که برای تسریع در ظهور حضرت قائم(عج) باید به گسترش ظلم و تبعیض و... دامن زد زیرا در آن صورت زمانی خواهد رسید که صلاح به نقطه صفر برسد و حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و باطل یکه تاز میدان گردد که در نتیجه انفجاری رخ خواهد داد و دست غیب خداوندی برای نجات حقیقت، نه اهل حقیقت، از آستین بیرون می آید و ظهور، اتفاق می افتد. این نوع انتظار، به از بین رفتن حدود و مقررات اسلامی منجر می شود و به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی هماهنگی ندارد. (۱)

آثار انتظار فرج:

منتظر واقعی به همه شرایط انتظار پایبند است و وظایف آن را بخوبی انجام می دهد در نتیجه آثار تربیتی به شرح ذیل برای وی پدید خواهد آمد:

گسترش امیدهای راستین: امید به آینده ای که به مراتب عالی تر، زیباتر و بهتر از امروز باشد، گذران زندگی و پذیرش دشواریها را برای انسان آسانتر می کند.

پویایی و نشاط: زندگی انسان آن زمان قابل توجیه است که آثار پویایی و نشاط در زوایای آن به چشم خورد. زمانی که انسان از وضعیت موجود راضی نیست و در صدد انتظار شرایطی بهتر است، در انتظار به سر می برد.

وحدت و همگرایی: انتظار باعث انسجام و همدلی بین منتظران می شود. در جامعه شیعی این همدلی به سبب وجود هدف مشترک انتظار ظهور مردی از سلاله پاک رسول الله می باشد.

(۱): - برداشت بعضی از انقلاب مهدی (عج) به اشتباه، انقلابی است علیه گسترش ظلمها، تبعیض ها، اختناق ها، حق کشی ها و تباهی ها آن هم در زمانی که جز نیروی باطل، هیچ نیرویی حکومت نکند و صالحی وجود نداشته باشد. در این صورت دست غیب برای نجات حقیقت از آستین بیرون می آید و ظهور، اتفاق می افتد.

احساس حضور: احساس حضور در محضر امام غایب و احساس حضور امام در زندگی، تأثیر بسزایی در اصلاح رفتار افراد و جامعه دارد.

آمادگی همه جانبه: انتظار مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری، اخلاقی، مادی، معنوی برای اصلاح همه جهان و پایان دادن به ظلم ها و نابسامانی ها است.

مراقبت اجتماعی: منتظران واقعی علاوه بر مراقبت از حال خویش، وظیفه دارند در اصلاح دیگران نیز بکوشند زیرا برنامه ظهور یک برنامه فردی نیست.

آینده جهان:

ما به دلیل اینکه مؤمن و مسلمانییم و در عمق ضمیرمان این اصل وجود دارد که: "جهان را صاحبی باشد خدا نام" هر چه در دنیا پیشامدهائی می شود هرگز احساس خطر عظیم، خطری که احیانا بشریت را نیست و نابود کند و کره زمین را تبدیل به توده خاکستر کند و زحمات چند هزار ساله بشریت را کأن لم یکن نماید نمی کنیم. در ته دل خودمان باور داریم که سال های سال، قرن ها، شاید میلیون ها سال دیگر، در روی این زمین زندگی و حیات موج خواهد زد. تعلیمات انبیاء نوعی امنیت و اطمینان خاطر به ما داده است و در واقع در ته قلب خود، به مددهای غیبی ایمان و اتکا داریم. به ما اگر بگویند یک ستاره عظیم در فضا در حرکت است و تا شش ماه دیگر به مدار زمین می رسد و با زمین ما برخورد می کند و در یک لحظه زمین ما به یک توده خاکستر تبدیل می شود باز هم با همه ایمان و اعتقادی که به پیش بینی های دانشمندان داریم به خود ترس راه نمی دهیم، در ته دلمان یک نوع ایمان و اطمینانی هست که بنا نیست بوستان بشریت که تازه شکفته است در اثر باد حوادث ویران گردد. آری همان طوری که باور نمی کنیم زمین ما به وسیله یک ستاره، یک حادثه جوی نیست و نابود شود، باور نمی کنیم که بشریت به دست خود بشر و به وسیله نیروهای مخرب که به دست بشر ساخته شده منهدم گردد. آری ما به حکم یک الهام معنوی که از مکتب

انبیاء گرفته‌ایم باور نمی‌کنیم . دیگران چطور ؟ آیا آنها هم باور نمی‌کنند ؟ آیا همین اطمینان و خوشبینی نسبت به آینده انسان و زمین و زندگی و تمدن و خوشبختی و بهروزی و عدالت و آزادی در آنها وجود دارد ؟ ابدأ .

اگر از آن درسی که دین به ما آموخته صرف نظر کنیم و ایمان به مددهای غیبی را از دست بدهیم و تنها براساس علل ظاهری حکم کنیم باید به آنها حق بدهیم که بدبین باشند . چرا بدبین نباشند ؟ در دنیائی که سرنوشتش بستگی پیدا کرده به دکمه‌ای که انسانی فشار دهد و پشت سرش وسائل مخرب که قدرت آنها را خدا می‌داند، بکار بیافتد ، در دنیائی که به راستی، بر روی انباری از باروت قرار گرفته و جرقه‌ای کافی است که یک حریق جهانی به وجود بیاورد ، چه جای خوشبینی به آینده است ؟ انصافاً اگر بر اساس علل مادی و ظاهری قضاوت کنیم، این بدبینی‌ها بسیار بجا است . فقط یک ایمان معنوی ، ایمان به " امدادهای غیبی " و اینکه جهان را صاحبی باشد خدا نام لازم است که این بدبینی‌ها را زایل و تبدیل به خوشبینی کند و بگوید بر عکس ، سعادت بشریت ، رفاه و کمال بشریت ، زندگی انسانی و زندگی مقرون به عدل و آزادی و امن و خوشی بشر ، در آینده است و انتظار بشر را می‌کشد . اگر این بدبینی را بپذیریم واقعا مسأله، صورت عجیب و مضحکی به خود می‌گیرد ، مَثَل بشر مَثَل طفلی می‌شود که در اولین لحظه‌ای که قادر می‌شود چاقو بدست بگیرد آن را به شکم خود میزند ، خودکشی می‌کند و کوچکترین حظی از وجود خود نمی‌برد . اگر بنا باشد که انسان به همین زودی با مهارت شگرف علمی خود ، خود را نابود کند و اگر واقعا انسان با قدرت علمی خود، گور خود را به دست خود کنده باشد و چند گامی بیشتر تا گور خود فاصله نداشته باشد، اگر واقعا چنین خودکشی اجتماعی در انتظار بشر باشد، باید بگوئیم خلقت این موجود بسی بیپوده و عبث بوده است . آری یک نفر مادی مسلک، می‌تواند این چنین فکر کند ولی یک نفر تربیت شده در مکتب الهی، این طور فکر نمی‌کند ، او می‌گوید : ممکن نیست که جهان به دست چند نفر دیوانه ویران شود ، او می‌گوید درست است که جهان بر سر پیچ خطر قرار گرفته است ولی خداوند همان طور که در گذشته البته در شعاع کوچکتری این معجزه را نشان داده ، بر سر پیچ های خطر، بشر را یاری کرده و از آستین غیب، مُصلح و مُنجی رسانده است ، در این شرائط نیز چنان خواهد کرد که عقلمها در حیرت فرو رود . خیر ، عمر جهان به

پایان نرسیده است ، هنوز اول کار است ، دولتی مقرون به عدل و عقل و حکمت و خیر و سعادت و سلامت و امنیت و رفاه و آسایش و وحدت عمومی و جهانی در انتظار بشریت است ، دولتی که در آن دولت، حکومت با صالحین است و انتخاب اصلح به معنی واقعی در آن صورت خواهد گرفت . روز بهروزی خواهد رسید " « و اشرفت الارض بنور ربها » . روزی که در آن روز به عدالت حکم شود و ستم برای همیشه رخت بر بندد ، راهها امن گردد ، زمین برکات و استعدادهای خود را ظاهر گرداند و حداکثر استفاده از منابع و خیرات زمین صورت گیرد ، فقری پیدا نشود که مردم صدقات و زکوات خود را به او بدهند و این است معنی سخن خدا : عاقبت از آن متقیان است . به جای اینکه مایوسانه بنشینیم و بگوئیم کار بشر تمام شده و بشر به دست خود ، گور خود را کنده و چند گامی بیشتر با آن فاصله ندارد و روزهای خوش بشر دارد به پایان می‌رسد ، می‌گوئیم: باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است

همان طور که ظهورهای گذشته پس از سختی‌هایی بوده ، قطعاً این ظهور نیز پس از سختیها و شدتها خواهد بود . همیشه برقها در ظلمتها می جهد . علی علیه السلام اشاره به ظهور مهدی موعود می‌کند و چنین می‌فرماید : «جنگ قد علم خواهد کرد در حالیکه دندان‌های خود را نشان می‌دهد . پستان هایش پر است و آماده است ، شروع کار شیرین است و عاقبت آن تلخ؛ همانا فردا و فردا چیزی ظاهر خواهد کرد که او را نمی‌شناسید و انتظارش را ندارید آن حاکم انقلابی هر یک از عمال حکومت های قبلی را به سزای خویش خواهد رسانید ، زمین پاره‌های جگر خود را از معادن و خیرات و برکات برای او بیرون خواهد آورد و کلیدهای خود را با تمکین به او تسلیم خواهد کرد . آن وقت به شما نشان خواهد داد که عدالت واقعی چیست و کتاب خدا و سنت پیامبر را احیاء خواهد کرد» .

علی علیه السلام نیز از یک آینده عبوس و خشناک و جنگهای وحشت زا یاد می‌کند ولی علی در پایان این شب سیه، یک سفیدی میمونی را نوید می‌دهد . قرآن کریم هم می‌فرماید : " « و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر انّ الارض یرثها عبادی الصالحون » " یعنی ما از پیش اطلاع داده‌ایم که وارث اصلی زمین ، بندگان صالح و شایسته ما خواهند بود . برای همیشه زمین در اختیار ارباب شهوت و غضب و بندگان جاه و مقام و اسیران هوای نفس نخواهد بود . آری این است فلسفه بزرگ مهدویت ، در عین اینکه پیش‌بینی یک سلسله

تکان های شدید و نابسامانی ها و کشتارها و بی عدالتی ها است ؛ پیش بینی یک آینده سعادت بخش و پیروزی کامل عقل بر جهل ، توحید بر شرک ، ایمان بر شک ، عدالت بر ظلم ، سعادت بر شقاوت است . لهذا نوید و آرزو است . " « اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله و تذل بها النفاق و اهله و تجعلنا فيها من الدعاه الي طاعتك و القاده الي سبيلك و ترزقنا بها كرامه الدنيا و الاخره » ."

اهل سنت و مهدي موعود (مهديت در نگاه روايات و باورهای اهل سنت):

اندیشه ظهور مهدي موعود- برخلاف پندار برخی- نه فقط ویژه شیعه نیست؛ بلکه بخش مهمی از باورهای اسلامی به شمار می آید، که برپایه بشارتهای پیامبر گرامی اسلام(ص) میان همه گروه ها و مذاهب اسلامی شکل گرفته است. در حوزه اعتقادات اسلامی، کمتر موضوعی را می توان یافت که تا این اندازه به آن اهمیت داده شده باشد، از این رو در اصل اعتقاد به ظهور مهدي موعود، نوعی اتفاق نظر و وحدت فکر، شکل گرفته است. بی گمان حضرت مهدي (عج) می آید، تا با بیدار کردن فطرت های خفته، زمینه را برای یکتا پرستی همگان که همانا هدف آفرینش بوده است، فراهم کند. او نه فقط هرگز برای پذیرش باور یکتا پرستی، کسی را تحت فشار و اجبار قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم کردن بستر های لازم برای پذیرش این امانت الهی، شاهد شیرین خداپرستی را بین همه انسان ها، عادلانه تقسیم خواهد نمود. وی با ایجاد شرایط مناسب و از بین بردن موانع، همگان را به اندیشیدن در نشانه های الهی وخواهد داشت. و حاصل این اندیشیدن به مبدأ و معاد، ارمانی جز پرستش حقیقی خداوند نخواهد داشت.

روشن است که با فراهم شدن تمام شرایط و رفع تمام موانع، آن کسی که سر تسلیم برابر حقیقت فرود نیآورد، کسی نیست مگر انسانی گستاخ و طغیانگر که با تمام قامت برابر حق به مقابله ایستاده است و بدون شک در چنان شرایطی، آن امام همام او را بر نخواهد تابید؛ از این رو است که روایات فراوانی یگانه دین مورد پذیرش در عصر ظهور را، همانا دین اسلام دانسته؛ می گوید: در عصر ظهور، ندای توحید در سراسر گیتی حکمفرما خواهد شد. امام حسین(ع) در وصف حضرت مهدي(عج) می فرماید: «خداوند، به وسیله او دین حق را بر تمام ادیان ظهور می بخشد؛ اگر چه مشرکان آن را نپسندند.» امام صادق(ع) نیز فرمود: «در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر اینکه شهادت به توحید و نبوت در آن، ندا داده خواهد شد.

کشته شدن شیطان، حادثه ای مهم در عصر ظهور:

روایات درباره سرانجام شیطان، متفاوت است. از حضرت صادق (ع) درباره این گفته ابلیس پرسیده شد که «پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلاق برانگیخته شوند، مهلت ده.» خداوند فرمود: «البته تو از مهلت داده شدگانی تا به روز و هنگام معلوم.» آن، چه روزی خواهد بود؟ فرمود: «آیا گمان می کنی آن، روز رستاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداوند او را تا روزی که قائم ما قیام کند، فرصت داده است. آنگاه قائم ما از پیشانی اش او را گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام، روز وقت معلوم است. بعید نیست مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند. البته در برخی روایات، هلاکت شیطان به دست پیامبر اکرم (ص) دانسته شده است.

نشانه های حتمی و غیر حتمی ظهور حضرت مهدی (عج):

از میان نشانه های ظهور، شماری از آنها، علائم حتمی ظهور دانسته شده اند. منظور از نشانه های حتمی - مقابل نشانه های غیر حتمی - آن است که پدیدار شدن آنها بدون هیچگونه قید و شرطی قطعی و الزامی خواهد بود؛ به گونه ای که تا آنها واقع نشوند، حضرت مهدی (عج) ظهور و قیام نخواهد کرد. البته باید توجه داشت که حتمی یا مسلّم و قطعی بودن وقوع این نشانه ها، به این معنا نیست که پدید نیامدن آنها محال است؛ بلکه به حسب فراهم بودن شرایط و نبودن بازدارنده ها، پدید آمدن آنها قطعی خواهد بود. از روایات فراوانی که در میان آنها روایات صحیح نیز وجود دارد، حتمی بودن نشانه های پنج گانه ذیل استفاده می شود: ۱- خروج سفیانی ۲- خروج یمانی ۳- خَسَف به بیداء ۴- قتل نفس زکیّه ۵- صیحه آسمانی (ندای آسمانی) که به اختصار به توضیح هریک از این نشانه های حتمی ظهور خواهیم پرداخت. در برابر نشانه های حتمی، نشانه های غیر حتمی قرار دارد یعنی مقید و مشروط به اموری است که در صورت تحقق آنها، پدید می آید. به عبارت دیگر، نشانه های غیر حتمی، شاید پدید آید و شاید بدون پیدایش آنها امام زمان (عج) ظهور کند. پاره ای از نشانه های غیر حتمی از این قرار است: ۱- مرگ و میر ها، زلزله ها و جنگ ها و آشوب های فراگیر ۲- خسوف و کسوف نابهنگام ۳- بارش باران های فراوان و ...

حال به اختصار به توضیح موارد پنج گانه نشانه های حتمی ظهور امام زمان (عج) می پردازیم:

۱- خروج سفیانی (خروج مردی از نسل ابوسفیان): پیش از قیام حضرت مهدی (عج)، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می کند و با تظاهر به دینداری، گروه فراوانی از مسلمانان را فریب می دهد و بخش گسترده ای از سرزمین های اسلامی (شام، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین و منطقه عراق) را به تصرف خود درمی آورد. در کوفه و نجف به کشتار شیعیان می پردازد و برای کشتن و یافتن آنان، جایزه تعیین می کند. مدت حکومت او نه ماه است. وی آنگاه که از ظهور حضرت حجت (عج) آگاه

می شود، با سپاهی بزرگ به جنگ آن حضرت می رود. در منطقه بیداء (بین مکه و مدینه) با سپاه امام برخورد می کند و به امر خدا، همه لشکریان وی جز چند نفر در زمین فرو می روند و هلاک می شوند. اینکه سفیانی کیست و چه ویژگی هایی دارد و چگونه خروج می کند و پرسش هایی از این دست، هرگز به گونه ای روشن و قابل قبول در روایات و سخنان بزرگان، مورد اشاره قرار نگرفته و به طور صرف، به گمانه هایی بسنده شده است؛ از جمله اینکه گفته شده نام وی عثمان بن عتبه و از خاندان ابوسفیان است. از این رو برخی بر این باورند که سفیانی فرد مشخصی نیست، بلکه فردی است با ویژگی های ابوسفیان که در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) به طرفداری از باطل، خروج می کند و مسلمانان را به انحراف می کشاند. اینها در بیان دیدگاه خود می گویند: در حقیقت ابوسفیان، به عنوان سرسلسله سفیانیان، نماد پلیدی است. او غارتگری بود که با رباخواری، زور گویی و چپاول اموال مردم، ثروت های هنگفتی به چنگ آورده بود و از راه فریب و استثمار توده های ستم کشیده و ترویج خرافات و دامن زدن به نظام طبقاتی جاهلی، قدرت فراوانی داشت. ابوسفیان در جایگاه سردمدار شرک و بت پرستی و سرمایه داری طاغوتی، هر نوع حرکت و جنبشی را که دم از عدالت، برادری و آزادی می زد، دشمن شماره یک خود می دانست و با قدرت تمام، برابر آن به مبارزه برمی خاست. بنابر این در حقیقت، سفیانی یک جریان است نه یک شخص. سفیانی جریان باطل در بستر تاریخ است. بر فرض هم که سفیانی را از نسل ابوسفیان بدانیم، اشکالی پدید نمی آید و واپسین مهره این زنجیره، همان سفیانی است که در آستانه ظهور قائم (عج) خروج می کند.

۲- خروج یمانی (خروج مردی از یمن): از نشانه های حتمی ظهور حضرت مهدی (عج) خروج سرداری از اهل یمن است که مردم را به حق و عدل دعوت می کند. امام باقر (ع) فرمود: " ...خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد با نظام و ترتیبی همچون نظام یک رشته که به بند کشیده شده است. هریک از پی دیگری [می آید]. و جنگ قدرت و هیبت از هر سو فراگیر می شود؛ وای بر کسی که با آنان دشمنی و ستیز کند؛ میان پرچم ها راهنماتر از پرچم یمانی نباشد که آن، پرچم هدایت است زیرا به صاحب شما دعوت می کند. هنگامی که یمانی خروج کند، خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است. چون یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است. هیچ مسلمانی را روا نباشد که با آن پرچم مقابله کند. هرکس چنین کند، از اهل آتش است زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرا می خواند." خروج یمانی، به طور اجمال از نشانه های حتمی ظهور است؛ هرچند جزئیات و چگونگی خروج وی روشن نیست.

۳- خَسَف به بیداء: واژه "خَسَف" به معنی فرو رفتن و پنهان شدن است و "بیداء" نام سرزمینی بین مکه و مدینه است. منظور از خَسَف به بیداء آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با

حضرت مهدی(عج) عازم مکه می شود اما بین مکه و مدینه در محلی که به بیداء معروف است، به گونه ای معجزه آسا به امر خداوند در زمین فرو می روند. امام باقر(ع) فرمود: "... سفیانی گروهی را به مدینه روانه کند و مهدی از آنجا به مکه رخت بربندد. خبر به فرمانده سپاه سفیانی رسد که مهدی به سوی مکه بیرون شده است. او لشکری از پی آن حضرت روانه کند ولی او را نیابد تا این که مهدی با حالت ترس و نگرانی بدان سنت که موسی بن عمران داشت، داخل مکه شود. فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود می آید. آواز دهنده ای از آسمان ندا می کند: ای دشت! آن قوم را نابود ساز. پس آن نیز ایشان را به درون خود می برد و هیچ یک از آنان نجات نمی یابد مگر سه نفر...."

۴- قتل نفس زکیّه: "نفس زکیّه" یعنی فرد بی گناه و پاک؛ کسی که قتلی انجام نداده است و جرمی ندارد. در آستانه قیام حضرت مهدی(عج) در گیر و دار مبارزات زمینه ساز انقلاب مهدی(عج)، فردی پاکباخته و مخلص، در راه امام(عج) می کوشد و مظلومانه کشته می شود. طبق بیان روایات، این رخداد عظیم، بین رکن و مقام- در بهترین مکان های زمین- اتفاق می افتد. فرد یاد شده، از اولاد امام حسن مجتبی(ع) است که در روایات، گاهی از او به عنوان نفس زکیّه و سید حسنی یاد کرده اند. در اصل تحقیق چنین حادثه ای- به عنوان علامت قیام- شکی نیست؛ هرچند اثبات جزئیات آن و نیز زمان تحقیق آن و ویژگی های مقتول، مشکل است.

۵- صیحه آسمانی (ندای آسمانی): منظور از ندای آسمانی، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی(عج) همه مردم، آن را از آسمان می شنوند. روایاتی که در باره مورد این نشانه ها از طریق شیعه و سنی رسیده، فراوان بلکه متواتر است. امام باقر(ع) فرمود: "ندا کننده ای از آسمان، نام قائم را ندا می کند؛ پس هر کس در شرق و غرب است آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار، ایستادگان، نشسته و نشستگان، بر دو پای خویش می ایستند. رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت گیرد و آن را اجابت کند؛ زیرا صدای نخست، صدای جبرئیل روح الامین است." از مجموع روایات در این باره، می توان چند نکته را استفاده کرد: ۱- ندای آسمانی، از نشانه های حتمی ظهور شمرده شده است و شیخ طوسی، نعمانی، شیخ مفید، شیخ صدوق و ... به حتمی بودن آن اشاره کرده اند. ۲- این صدا، از آسمان شنیده می شود به گونه ای که همه مردم کره زمین- در شرق و غرب- آن را می شنوند و به خود می آیند. از برخی روایات استفاده می شود که هر جمعیتی آن صدا را به زبان خود خواهد شنید. ۳- محتوای این پیام آسمانی، دعوت به حق و حمایت از حضرت مهدی(عج) و بیعت با آن حضرت است. ۴- هم زمان با شنیده شدن این صدا از آسمان یا کمی پس از آن، روی زمین نیز صدایی شنیده می شود. ندا دهنده آن، شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند و می کوشد با ایجاد تردید در مردم، آنان را از حمایت مهدی(عج) و اجابت دعوت آسمانی باز دارد. ۵- جبرئیل، مردم را به

حق فرا می خواند و شیطان و نیروهای شیطانی و پیروان سفیانی به باطل. از ظاهر روایات، با توجه به ویژگی هایی که برای آن بیان شده است، فهمیده می شود که تحقق آن، طبیعی نخواهد بود. خداوند برای آنکه شروع این انقلاب جهانی را اعلان کند و به همگان برساند که انقلابی بزرگ در حال شکل گیری است و حق بودن حضرت مهدی(عج) را بنمایاند و به یاران و دوستان و علاقمندان به چنین رستاخیزی خبر بدهد، صیحه آسمانی را معجزه آسا به گوش همگان می رساند. این نشانه در روایات اهل سنت نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

یاران حضرت مهدی(عج):

یاران ویژه (خاص) حضرت مهدی(عج) ۳۱۳ نفرند. احادیث فراوانی در ستایش این گروه ممتاز وارد شده و در قرآن کریم، آیاتی است که تأویل به آنان شده است: ۱- از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تأویل سخن خدای متعال در آیه ۸ سوره مبارکه هود که فرمود: "وَلَئِنْ أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ... هرآینه اگر از آنان عذاب را تا مدتی معین [یا تا فراهم آمدن دسته ای به تعداد مشخص] به تأخیر اندازیم..." نقل شده که فرمودند: مراد از امت معدود، یاران مهدی در آخرالزمانند؛ ۳۱۳ نفر به شمار افراد جنگ بدر. آنان در ساعتی جمع شوند مانند ابرهایی که در پاییز جمع شوند. ۲- امام صادق(ع) در وصف یاران خاص حضرت مهدی(عج) فرمود: مردانی که گویی قلب هایشان مانند پاره های آهن است. هیچ چیز نتواند دل های آنان را در باره ذات خداوند، گرفتار شک سازد. سخت تر از سنگ هستند. اگر بر کوه ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود مانند عقاب هستند. بر زین اسب امام دست می کشند و از این کار، برکت می جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ ها جان خود را سپر او می سازند و هر چه را بخواهد، برایش انجام می دهند. مردانی که شب ها نمی خوابند. در نمازشان همهمه هایی چون صدای زنبور عسل دارند. شب ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب های خود سوارند. پارسایان شبند و شیران روز. اطاعت آنان برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقايش زيادتر است. مانند چراغ ها هستند... گویی که دل هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنایشان شهید شدن در راه خداست. شعارشان این است: "ای مردم! برای خون خواهی حسین(ع) به پا خیزید." وقتی حرکت می کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه وحشت حرکت کند. آنان دسته دسته به سوی مولا می روند. خدا به وسیله آنان، امام راستین را یاری می فرماید.

فرق بین یاران خاص و یاوران حضرت مهدی(عج):

بین یاران خاص (ویژه) حضرت مهدی(عج) و یاوران آن حضرت، تفاوتی هست. اصحاب و یاران خاص، ۳۱۳ نفرند. آنان کسانی اند که حضرت علی و امام صادق علیهما السلام از آنان به پرچم داران تعبیر فرموده اند و هریک از این یاران خاص، نقش عظیمی در فرماندهی سپاه و گشودن شهرها، اداره امور و ... دارند. یاوران، مؤمنان صالحی هستند که به حضرت مهدی(عج) در مکه و غیر آن ملحق می شوند و زیر پرچم گرد می آیند و با دشمنان خدا و پیامبر(ص) می جنگند. حضرت مهدی(عج) از مکه خارج نخواهد شد، مگر آنکه همراه او ۱۰/۰۰۰ نفر یاوران، خواهند بود. البته این شمار، گروهی از یاوران ایشانند نه همه آنان. برای نمونه فقط سید هاشمی با ۱۲/۰۰۰ نیرو در عراق به حضرت، ملحق می شوند... این همه، غیر از یاورانی است که از فرشتگانند. آنان نیز یاوران حضرت بوده و اوامر آن بزرگوار و آموزه هایش را فرمانبردار خواهند بود.

ویژگی های یاران خاص حضرت مهدی(عج):

بیشتر یاران خاص حضرت، در سن جوانی اند و بزرگسالان میان آنها کم هستند. این یاران، دارای افکاری متحد و آراییی یکنواخت بوده و دل هایشان به هم پیوسته است. حضرت علی(ع) در این باره فرمود: همانا یاران قائم(عج) همگی جوانند و پیر، میانشان نیست مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه؛ و کمترین چیز در توشه راه، نمک است. لازم به یادآوری است که در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش بسزایی دارند و طبق تعبیر برخی از احادیث، حدود پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام می باشند. این موضوع، دو نکته را روشن می سازد: ۱- زنان که در طول تاریخ، از حقوق خویش محروم بودند و شخصیت آنان تحقیر گشته بود، در دوران آن انقلاب بزرگ، شخصیت واقعی خویش را باز خواهند یافت و به عنوان کارگزاران اصلی آن تحوّل عظیم، در جامعه جهانی شرکت خواهند داشت. این موضوع، اهمیت ویژه ای دارد که ارزش واقعی و پایه قدرت و توانمندی نوع زن و ارزشیابی استعدادهای او را - در صورتی که خود را ساخته باشد- مشخص می سازد. ۲- زنان اگر در جهاد و رویارویی مستقیم شرکت نکنند، در دیگر پست ها و مسؤولیت ها و سازندگی ها، می توانند مشارکت داشته باشند. همچنین در گسترش فرهنگ اسلامی، تبیین خطوط اصلی دین، آموزش معارف اسلامی و جایگزین ساختن معیارها و اصول انقلاب مهدوی، می توانند کارآمد باشند و نقش های اصلی و برجسته ای را بر عهده گیرند. در مسائل پشت جبهه و دیگر مسائل اجتماعی، فرهنگی و تربیتی نیز می توانند نقش سازنده ای داشته باشند. امام باقر(ع) فرمود: "... به خدا سوگند سیصد و چند تن از مردان نزد او می آیند که با آنان پنجاه زن نیز هست..." این موضوع، ارجمندی جایگاه زن و بلندای رشد و تکامل او را روشن می کند. اثر تربیتی این موضوع مهم در جامعه کنونی - که جامعه منتظر است - می تواند خودآیی زنان و بازشناسی توان رشد و بازیابی

شخصیت آنان باشد. برای شرکت در آن دگرگونی و انقلاب بزرگ جهانی، زنان از هم اکنون باید با معیارهای دقیق اسلامی و اخلاقی، شخصیت خود را بسازند و در بُعد علم و عمل تکامل یابند و بدانند که هم اکنون و در آینده، مسؤولیت های بزرگی بر عهده دارند و در آینده نقش های اصولی تری را به انجام رسانند. پس ناگزیر از هم اکنون به شناخت دقیق و درست اسلام بپردازند و در تربیت خویش بکوشند تا پیش از ظهور، در جامعه زنان منتظر قرار گیرند و در دوران ظهور، شایستگی شرکت در آن حرکت بزرگ و کمک رساندن به داعی حق را داشته باشند.

"یا لثارات الحسین(ع) "شعار یاران حضرت مهدی(عج):"

"ثار" در لغت به معنای خون خواهی است. یا لثارات الحسین(ع) شعار یاران حضرت مهدی است که به خون خواهی امام حسین(ع) هنگام قیام آن حضرت سرخواهند داد. به این معنا که "کجایند قاتلان حسین؟" یا به این معنا که "کجایند خون خواهان حسین؟" امام صادق(ع) در این باره فرمود: یاران مهدی.... فقط از خدا می ترسند و فریاد لا اله الا الله آنان بلند است و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. شعار آنان "یا لثارات الحسین" است. به هر سو که روی آورند، ترس از آنان به اندازه یک ماه مسیر، پیشاپیش در دل مردم افتد. البته روشن است چون حسین بن علی(ع) آینه تمام نمای حق و حقیقت است و دشمنان وی در آن زمان آینه تمام نمای باطل؛ انتقام از خون امام حسین(ع)، انتقام از خون همه مظلومان در طول تاریخ خواهد بود و آن حکومت عدل جهانی، برآورنده آرزوی همه فرودستان جهان در طول تاریخ. به امید آن روز نورانی.

دعای عهد از دعاهای سفارش شده برای تجدید عهد با امام غائب:

از دعاهای مشهور که خواندن آن در دوران غیبت حضرت مهدی(عج)، فراوان مورد سفارش قرار گرفته، دعای عهد است. این دعا، در بردارنده درود ویژه از طرف خواننده دعا و نیز از سوی تمام مردان و زنان با ایمان - در شرق و غرب جهان و خشکی و دریا، از پدر و مادر و فرزند خواننده دعا- به پیشگاه حضرت ولی عصر(عج) است. پس از آن، عهد و پیمان و بیعت با آن حضرت را تجدید می کند و پایداری بر این پیمان را تا روز قیامت اظهار می دارد. آنگاه از خداوند می خواهد که اگر مرگ وی فرا برسد، درحالی که امام زمان(عج) ظهور نکرده باشد، پس از ظهور، او را از قبر برآورد و به یاری آن حضرت، سعادت مند کند. بعد از آن، درخواست دیدار امام(عج) با عبارت ظریفی بیان شده است و دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپای حکومت راستین و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان، پایان بخش این دعای شریف است.

امام صادق(ع) درباره این دعا فرموده است: هرکس چهل صبحگاه این دعا را بخواند، از یاوران حضرت قائم(عج) خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت، بمیرد، خدا او را زنده خواهد کرد، تا همراه آن حضرت

جهاد نماید و به شماره هر کلمه از آن، هزار پاداش برایش نوشته می شود، و هزار کار بد از او پاک می گردد. مهمترین آثار مداومت بر این دعا سه چیز است:

۱. ثواب کسانی را خواهد داشت که زمان ظهور، در خدمت امام(عج) می باشند.

۲. تجدید عهد، مایه ثبات و کمال محبت و اخلاص و ایمان شخص می شود.

۳. مایه توجه خاص و نظر رحمت کامل آن حضرت به بنده می شود.

ولایت فقیه استمرار ولایت علوی و مهدوی:

خداوند در آیه ۵۹ سوره مبارکه نساء دستور به اطاعت مطلق از خدا، رسول خدا و اولوالامر(اوصیای پیامبر) می دهد که همان امامان معصوم علیهم السلام می باشند که اطاعت مطلق از آنان همتراز با اطاعت از خدا و رسول خدا شمرده شده است اگر ولیّ امر، معصوم از خطا و گناه نباشد محال است که خداوند اطاعت مطلق از او را لازم بشمرد. از آنجایی که هر پیامبری از جهت عمر و امکانات، محدود است لذا برای محقق ساختن اهداف خود، به امر الهی جانشین خود را به مردم معرفی و مردم را به اطاعت از او سفارش می کند که اگر چنین نکند رسالتش را به انجام نرسانده است. (مائده-۶۷) از سوی دیگر وجود امام در هر عصر و زمان تا روز قیامت برای هدایت انسانها به کمال، لازم و ضروری است زیرا قرآن کریم خطاب به پیامبر(ص) می فرماید "همانا تو انذاردهنده ای و برای هر قومی هدایت گری است." (رعد-۷) و همچنین بر اساس روایاتی درباره سوره قدر، در شب قدر هر سال تا روز قیامت، فرشتگان بر امام زمان(عج) نازل می شوند و افزون بر آیات، از روایات فراوانی نیز استفاده می شود. از آن جا که در مدخل نیابت عام، به برخی روایات در این باره اشاره شد، این جا به صورت مختصر نکته ای را اشاره می کنیم: از آن جا که در عصر غیبت، دسترسی به پیشوای معصوم علیهم السلام امکان پذیر نیست و تشکیل حکومت هم ضروری است، ولیّ فقیه جامع شرایط عهده دار این امر است که در باره حدود اختیارات ولیّ فقیه در عصر غیبت کبری، به منابع معتبر شیعه و نظر صاحب نظرانی همچون امام خمینی(ره)، آیت الله العظمی خویی(ره)، استاد شهید مرتضی مطهری و ... مراجعه فرمائید.

تاریخچه مسجد مقدس جمکران

مسجد مقدس جمکران در ۶ کیلومتری شهر مقدس قم واقع شده و همواره پذیرای زائرینی از نقاط مختلف ایران و جهان می باشد. این مکان مقدس، تحت توجهات خاصه حضرت بقیه الله الاعظم(ارواحنا فداه) قرار دارد و آن حضرت از شیعیان شان خواسته اند که به این مکان مقدس روی آورند، چرا که این مکان، دارای زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است. لذا سزاوار است که زائرین عزیز، از

برکات این مکان مقدس، حداکثر استفاده را ببرند و مراقب باشند که مسائل فرعی توجه شان را به خود جلب نکند و خود را در برابر حضرت مهدی (ارواحنا فداه) حاضر ببینند و از انجام اعمالی که قلب مبارک آن حضرت را آزرده می سازد، خودداری کنند.

شایان توجه است که علما و شیفتگان آن حضرت، استفاده های فراوان از این مسجد مقدس برده اند. بنابر این سعی کنید در این مکان مقدس، لحظاتی را با عزیز، خلوت کرده و خالصانه برای ظهور مقدس حضرتش دعا کنید، چرا که بر طرف شدن گرفتاری ها تنها با ظهور آقا امکان پذیر است.

شما ای زائران عزیز که به این محل نورانی مشرف می شوید! در نظر داشته باشید که مسجد مقدس جمکران، محل رفت و آمد امام مهدی (ارواحنا فداه) است و آن حضرت بر اعمال همه ما در این مکان نظارت دارند. لذا به گونه ای در این مسجد باشیم که آقا از ما خشنود شود و الطاف و عنایاتش شامل حال ما گردد.

شیخ حسن بن مثله جمکرانی، یکی از صلحا و سومین سفیر حسین بن روح نوبختی-یکی از نوآب اربعه- می گوید: من شب سه شنبه، ۱۷ ماه مبارک رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: برخیز و مولای خود- حضرت مهدی علیه السلام- را اجابت کن که تو را طلب نموده است. آنها مرا به محلی که اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیرمردی هم نزد او نشسته است، آن پیر، حضرت خضر علیه السلام بود که مرا امر به نشستن نمود، حضرت مهدی علیه السلام مرا به نام خود خواند و فرمود:

برو به حسن مسلم (که در این زمین کشاورزی می کند) بگو: این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده است، و دیگر نباید در آن کشاورزی کند. (زیرا زمین مسجد مقدس جمکران متعلق به حسن بن مسلم نبوده و او، این زمین را که همجوار زمین خودش بوده به زمین خود افزوده بود. و لذا به همین خاطر هم دو پسر جوانش از دنیا می روند ولی باز هم متنبه نمی شود!)

عرض کردم: یا سیدی و مولای! لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و گرنه مردم حرف مرا قبول نمی کنند! آقا فرمود: تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما نشانه هایی برای آن قرار می دهیم، و همچنین نزد سید ابوالحسن (یکی از علمای قم) برو و به او بگو: حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است، وصول کند(و بازپس بگیرد)[چرا که آن سود متعلق به او نبوده است و غصبی است] و با آن پول، در این زمین مسجدی بنا نماید.

به مردم بگو: به این مکان رغبت کنند و آنرا عزیز دارند و چهار رکعت نماز در آن گزارند. [دو رکعت نماز تحیت و دو رکعت نماز امام زمان(عج)].

آنگاه امام علیه السلام فرمودند: هر که این دو رکعت نماز (امام زمان(عج)) را در این مکان (مسجد مقدس جمکران) بخواند مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد. چون به راه افتادم، چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: بزی در گله جعفر کاشانی است، آنرا خریداری کن و بدین مکان آور و آنرا بکش و بین بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد. حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خوانده و به سراغ علی المنذر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم و با او به همان مکان شب گذشته رفتیم، و در آنجا زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده امام علیه السلام حدود بنای مسجد را نشان می داد. سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به در خانه او رسیدیم، خادم او گفت: آیا تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی! خادم گفت: سید از سحر در انتظار تو است. آنگاه به درون خانه رفتیم و سید، مرا گرمی داشت و گفت: ای حسن بن مثله من در خواب بودم که شخصی به من گفت: حسن به مثله، از جمکران نزد تو می آید، هر چه او گوید، تصدیق کن و به قول او اعتماد نما، که سخن او سخن ماست و قول او را رد نکن. از هنگام بیدار شدن تا این ساعت منتظر تو بودم، آنگاه من ماجرای شب گذشته را برای وی تعریف کردم، سید بلافاصله فرمود تا اسب ها را زین نهادند و بیرون آوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک روستای جمکران رسیدیم، گله جعفر کاشانی را دیدیم، آن بز از پس همه گوسفندان می آمد، چون به میان گله رفتم، همینکه بز مرا دید به طرف من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گله من نبوده و تاکنون آنرا ندیده بودم، به هر حال آن بز را به محل مسجد آورده و آن را ذبح کرده و هر بیماری که گوشت آن تناول کرد، با عنایت خداوند تبارک و تعالی و حضرت بقیه الله ارواحنا فداه شفا یافت.

ابوالحسن رضا، حسن مسلم را احضار کرده و منافع زمین را از او گرفت و مسجد جمکران را بنا کرد و آن را با چوب پوشانید. سپس زنجیرها و میخ ها را با خود به قم برد و در خانه خود گذاشت، هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیرها می مالید، خدای تعالی او را شفای عاجل می فرمود، پس از فوت سید ابوالحسن، آن زنجیرها ناپدید شد و دیگر کسی آنها را ندید.

تاکنون مسجد مقدس جمکران، مأوای منتظران و محل راز و نیاز میلیون ها عاشقی است که شکوائیه دوری از معشوق شان را به حضرت باری تعالی ارائه می دهند. در صحت اصل این مسجد شکی نیست ... و کرامات عدیده، مؤید این مسجد است. (تلخیص از کتاب نجم الثاقب، ص ۳۸۳ تا ۳۸۸)

چرا بهائیان را نجس می دانیم؟ از نظر اسلام دوستی و معاشرت با آنها چه حکمی دارد؟

الف. نجاست بهائیان

بر اساس آموزه‌های اسلامی کسی که منکر خدا باشد، یا برای خداوند متعال شریک قائل باشد و یا اینکه پیامبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را قبول نداشته و یا یکی از ضروریات دین مبین اسلام را منکر شود، کافر بوده و کافر هم، نجس است.

مطابق آیه شریفه "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ" [توبه - ۲۸] و روایات متعدد، نظیر روایت امام صادق (ع) که می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ دِينًا غَيْرَ دِينِ الْمُؤْمِنِينَ [اسلام] فَهُوَ مُشْرِكٌ».

بهائیان به دلیل عقاید ضاله و شرک آلود خویش، نجس می‌باشند؛ زیرا آنان از یک سو مدعی الوهیت و نبوت باب و بهاء بوده و منکر خاتمیت نبی مکرم اسلام هستند و از سوی دیگر منکر احکام ضروری دین مثل نماز، روزه و... بوده و دین اسلام را منسوخ می‌دانند و به علاوه، نه تنها منکر وجود نازنین حضرت بقیه‌الله الاعظم هستند، بلکه دشمن او نیز می‌باشند. در نتیجه به خاطر این عقاید آنها از منظر همه مسلمانان، کافر و نجس‌اند. چنانکه شورای فقه اسلامی در پنجمین اجلاس کنفرانس سران اسلامی سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۵ شمسی) که در کویت برگزار شد، ضمن بررسی همه جانبه ادعاهای باب و بهاء و اظهارات کفرآمیز آنها، فرقه ضالّه بهائیت را تکفیر کرد و نظر خود را درباره این فرقه ضاله چنین بیان نمود:

«واجب است گروه‌های اسلامی در تمامی نقاط جهان، خطر این گروه و جریان الحادی را که دستیابی به اسلام را در ابعاد اعتقادات، احکام شریعت و حیات طیبه اسلامی مورد هجمه قرار داده است با تمام امکانات خود از بین ببرند.»

و مقرر دارد: «آنچه را که بهاء‌الله ادعا کرده از رسالت و نزول وحی و... تغییراتی را که به وجود آورده و در فروع دین به تواتر ثابت شده است، انکار ضروریات و مسلمات دین به شمار می‌رود و منکر این ضروریات به اجماع همه مسلمانان، مشمول احکام کفار می‌شود»

مجمع پژوهش‌های اسلامی دانشگاه الازهر مصر نیز با ارائه گزارشی، فرقه بهائیت را خدمتگزار صهیونیست و استعمار غرب، و عمل آنان را انتشار فتنه و آشوب میان امت اسلامی دانسته و با صدور فتوایی اعلام می‌نماید:

«بهائیت به هیچ وجه یک دین یا مذهب آسمانی نیست و اعتقادات آن از هرگونه تعالیم دینی به دور است و پیروان آن همگی گمراه و منحرف هستند هرکس دارای تفکر بهائی باشد، کافر است.»

همچنین دارالافتاء الازهر در فتوایی اعلام می‌کند:

«بهائیت یک فرقه و گروه مرتد از اسلام است، درست نیست که به آن ایمان آورد و با آنها مشارکت نمود و نسبت به ایجاد جمعیت‌ها و مؤسساتی که ایجاد می‌کنند نباید بی تفاوت بود و چشم پوشید. این به آن سبب است که آنها براساس عقیده به حلول و تشریح غیر از آنچه خداوند نازل کرده و ادعای نبوت و حتی ادعای الوهیت به وجود آمده‌اند.»

از منظر فقهای شیعه و مراجع عظام تقلید نیز فرقه گمراه بهائیت کافر و محکوم به نجاست می‌باشند.

ب. دوستی با بهائیان

در آموزه‌های اسلامی از دوستی با کفار، نهی گردیده است. در قرآن با هشدارهای قاطعانه‌ای برمی‌خوریم که می‌فرماید: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ» (آل عمران- ۲۸) «مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست».

براین اساس دوستی و معاشرت با بهائیان جایز نیست، زیرا همانگونه که گذشت بهائیت کافر و نجس است.

در حقیقت نجاست کافران و مشرکین یک نوع آلودگی باطنی و معنوی است که آثار آن به جسم آنها نیز سرایت کرده و فایده مهم پرهیز از آنها حفظ عقاید و اخلاق جامعه می‌باشد. خصوصاً افرادی که از توانایی دینی بالایی برخوردار نبوده و با آمیزش و معاشرت با افراد منحرف و گمراه، تحت تأثیر قرار گرفته و منحرف می‌شوند. بر این اساس معاشرت بدون ضابطه با آنان مشکلات فکری و اعتقادی را به همراه خواهد داشت.

امیرالمومنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «فاعلموا ان الهالك من هلك دينه و الحريب من حرب دينه؛ و بدانید که از میان رفته، کسی است که دینش از دست برود و دزد زده و بی چیز کسی است که دینش را از او ربوده باشند». به همین دلیل مصلحین و دلسوزان به افراد معمولی سفارش می‌کنند که از معاشرت با افراد گمراه و منحرف دوری کنند تا از انحراف و گمراهی محفوظ باشند. البته این سخن بدان معنا نیست که هیچ کس هیچ مرآده‌ای با کفار نداشته باشد بلکه ارتباط عالمان و اندیشمندان دینی با دانشمندان کافر، امری مطلوب و چه بسا ضروری است؛ زیرا این مرآده نه تنها تأثیری در عقاید علما و دانشمندان به وجود نمی‌آورد بلکه آنان می‌توانند با شیوه‌ها و دستورات عمل‌های خاص که در اسلام بدان سفارش شده است به تغییر افکار دانشمندان کافر و نیز ترویج عقاید اسلامی اقدام نمایند.

نتیجه اینکه: عوامل استعماری جریان انحرافی بهائیت، به مرور و در مراحل مختلف، به منسوخ اعلام نمودن دین اسلام و نفی و انکار نبوت، امامت، معاد و تعالیم و قوانین و احکام مقدس و نورانی قرآن می‌پردازند. سپس ابتدا ادعای نیابت خاص حضرت حجت (عج) و در مرحله دوم ادعای مهدویت و پس از آن ادعای نبوت

و مرحله آخر ادعای الوهیت و خدایی می‌نمایند! آنگاه به هدم و نابودی آثار اسلام یعنی کعبه و قبور انبیاء و امامان و مساجد فرمان می‌دهند و سپس به ساختن کعبه جدید! در شیراز اهتمام می‌ورزند و با آداب و ادعیه و ذکر و زیارتنامه‌های استعمار ساخته به طواف به گرد آن می‌پردازند! احکام دین جدید را صادر و مطابق با خواست و اهداف استعمار، به رفع حجاب و پوشش زنان فرمان می‌دهند و دخالت در سیاست را - که آرزوی دیرینه قدرت‌های سلطه جهانی در مناطق اسلامی است که همواره از اصل ورود و دخالت در سیاست به عنوان یک تکلیف و وظیفه اسلامی ضربه خورده‌اند - ممنوع اعلام می‌نمایند! بدین ترتیب همه زمینه‌ها آماده و مهیا می‌شود تا مبانی و ارکان اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی و پایبندی‌های معنوی جامعه اسلامی متزلزل شده، وحدت و یکپارچگی مسلمانان در ایران به تفرقه و تشتت تبدیل گردد و از قدرت بی‌نظیر مذهب تشیع و مراکز علم و فقه و مراجع و فقها و علمای بیدار و آگاه که مدافعان راستین اسلام و سنگرهای مستحکم دفاع از هویت دینی و استقلال و شرف و اعتلا و اقتدار مسلمانان می‌باشند، کاسته شود و راه‌های تاخت و تاز و سلطه استعمار خارجی هموار گردد.

منابع مورد استفاده:

- ۱- فرهنگنامه مهدویت- خدامراد سلیمیان- انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)
- ۲- پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی- ج ۳۵- نشر معارف
- ۳- امدادهای غیبی در زندگی بشر- استاد شهید مطهری- انتشارات صدرا
- ۴- ملکوتی خاک نشین، سیری در زندگانی آیت‌ا. حاج شیخ محمد تقی بهلول- اثر سید عباس موسوی مطلق- انتشارات هنارس
- ۵- سایت الشیعه
- ۶- تفسیر سوره قدر- تفسیر نمونه- جمعی از دانشمندان زیر نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی- انتشارات دارالکتب الاسلامیه
- ۷- تفسیر سوره قدر- اثر استاد شهید مرتضی مطهری- انتشارات صدرا
- ۸- سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین عالی در برنامه سمت خدا با موضوع حیات و حضور امام زمان(عج)
- ۹- رابطه شب قدر و امام زمان(عج) - دکتر سید محسن میر باقری(دکترای علوم قرآن و حدیث)- آپارات

کمیته فرهنگی بیمارستان مهدیه - فروردین ۱۴۰۲